

قانون مجازات آن امر جنحه یا جنایت محسوب شود، مفتری محسوب خواهد شد. مشروط بر این که نتواند صحت آن استناد را ثابت نماید».

بنابراین، به نظر می‌رسد، مقنن سال ۱۳۷۵ در رونویسی از قانون مجازات عمومی سال ۱۳۰۴ می‌بایست دقت بیشتری مبذول می‌داشت و صرفاً با رفع اشکال آن ماده با افزودن عبارت «یا به هر وسیله دیگر» به بعد از نطق در مجامع، آن را همانند بسیاری از مواد دیگر، آن گونه که بود تصویب می‌کرد و یا آن را به گونه‌ای بازنویسی می‌کرد که به ساختار جمله و مفهوم آن، خللی وارد نگردد.

هر چند انتظار این نیست که نمایندگان مجلس شورای اسلامی در همه مسائل از جمله مسائل قضایی و ادبی اطلاعات تخصصی کافی داشته باشند اما امید می‌رود در تنظیم نصوص قانونی از کارشناسان متخصص استفاده نمایند تا نواقص مشابه در متون قانونی به چشم نیاید.



### تداخل مجازاتهای تعزیری و بازدارنده

✍️ صادق رضوانی\*

پیش در آمد: قانون مجازات عمومی سابق جرایم را از حیث مجازاتهای مقرر برای آن به سه دسته تقسیم نموده بود: جنایت، جنحه و خلاف. لکن با پیروزی انقلاب اسلامی و ضرورت تعیین مجازات شرعی برای جرایم ارتكابی، نخبگان جامعه اسلامی از فارغ التحصیلان حوزه و دانشگاه که در اولین مجلس شورای اسلامی گرد هم جمع آمده بودند، مبادرت به تصویب قانون راجع به مجازات اسلامی در سال ۱۳۶۱ نمودند

\* - قاضی دادگستری استان مرکزی، این مقاله با اندکی تلخیص به نظر خوانندگان می‌رسد.

که در بخش اول آن مجازات جرایم مربوط به حدود و قصاص و دیات تعیین و در بخش دوم مجازات مربوط به جرایم تعزیری تعیین گردیده بود.

پس از چندین مرحله اصلاح و تعدیل طی سالهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی نهایتاً قانون مجازات اسلامی (حدود، قصاص و دیات) در سال ۱۳۷۰ و قانون تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده در سال ۱۳۷۵ تصویب و به موقع اجرا گذارده شد.

در قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱ قانونگذار مجازات را به چهار دسته تقسیم نموده است: حدود، قصاص، دیات و تعزیرات. لکن در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ مجازاتهای مقرر در پنج نوع ذیل بیان گردیده است: حدود، قصاص، دیات، تعزیرات و مجازات بازدارنده.<sup>(۱)</sup>

## مبحث اول

### بیان تفاوت اساسی میان حدود و تعزیرات

آنچه به طور بسیار فشرده در این رابطه می توان گفت همان است که مرحوم محقق در کتاب مقدس شرایع الاسلام بیان نموده اند: (کل ماله عقوبةً مقدرةً یسمی حدّاً و ما لیس کذا لک یسمی تعزیراً). خداوند نسبت به افرادی که از حدود الهی مقررات، برنامه ها و وظایف و تکالیف دینی تجاوز نموده و مرتکب فعل حرام و گناه می شوند و یا واجبات الهی را ترک می نمایند علاوه بر کیفر اخروی مقتضی، کیفر دنیوی نیز قرار داده است.

در مواردی که نوع و مقدار این کیفر در نصوص اسلامی تعیین شده است به مجازات مزبور حدّ اطلاق می شود مانند حد شرب خمر که هشتاد تازیانه مقرر شده و در مواردی که این گونه نباشد و تعیین مجازات به عهده حاکم شرع گذاشته شده تا مقدار و نوع آن را بر حسب مقتضیات زمان و مکان و روحیه مرتکب و اثر اجتماعی تعیین نماید تعزیر خواهد بود.

تفاوت‌های اساسی حد و تعزیر: ۱- علاوه بر تفاوت اساسی فوق مهمترین تفاوت بعدی این است که در حدود الهی تعطیل راه ندارد و مجازات حدی موضوع حکم باید اجرا گردد. بر همین اساس نسبت به اجرای حد الهی از سه موضوع منع شده است:

الف - عدم پذیرش کفیل در اجرای حدود الهی: فردی که مرتکب جرم مستوجب حد شده است باید حد الهی بر او جاری گردد و لذا با معرفی کفیل نمی‌توان او را رها نمود.<sup>(۱)</sup> در این مورد روایتی وارد شده است که می‌فرماید: (لاکفالة فی الحدّ) زیرا شخص مجرمی که مستوجب اجرای حد الهی است در صورتی که با معرفی کفیل رها گردد و سپس به او دسترسی نباشد اجرای حد الهی تعطیل خواهد گردید و موجبی نیز برای اجرای حد مزبور بر کفیل که مرتکب جرمی نگردیده نمی‌باشد.

ب - ممنوعیت تأخیر در اجرای حدود: آن چنان که در روایت بیان گردیده است (... لا تأخیر فی الحدّ...) در صورتی که عذر شرعی در کار نباشد اجرای فوری حد مجرم تعیین می‌شود. در حد به محض تحقق موجبات حد، اجرای آن ضروری خواهد بود بدون این که شخصیت مجرم، مقام و مسؤولیت وی لحاظ گردد.

در حالی که در مجازات‌های تعزیری همان‌گونه که تعیین مجازات مزبور در دست حاکم است و با توجه به شرایط، اوضاع و احوال جامعه و نیز شخصیت متهم و علل و انگیزه‌های ارتکاب جرم، مجازات تعیین می‌شود در اجرای آن نیز امکان تخفیف، تعلیق و یا عفو از مجازات تعزیری تعیین شده را داشته و حتی پس از قطعیت احکام تعزیری نیز امکان برخی تخفیفات قانونی وجود دارد.

۱- بر همین اساس گفته می‌شود که مرتکب جرم مستوجب حد تا زمان اجرای حکم باید در بازداشت بماند لذا تأمین اخذ شده در چنین جرایمی باید از نوع قرار بازداشت موقت باشد و اخذ تأمین دیگر از قبیل وثیقه و کفالت جایز نخواهد بود و برخی از بخشهای مواد ۳۲ و ۳۵ قانون آیین نامه دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ ناظر بر همین دادگاه می‌باشد.

## مبحث دوم:

### تعریف مجازاتهای تعزیری

گفتار اول - تعریف تعزیر در لغت

ابن اثیر در نهایت می‌گوید «عزَّر: فی حدیث المبعث قال ورقه بن نوفل: ان بعث و انا حیّ فسأعزوه و انصره، التعزیر هنا: الأعانه و التوقیر و النصر...»  
ابن منظور در لسان العرب می‌گوید: «... و اصل التعزیر التأدیب و لهذا یسمی الضرب دون الحدّ تعزیراً... فهو من الأضداد و عزَّره: فحَّمه و عظمه...»

همان طور که ملاحظه می‌شود کلمه تعزیر از کلمات اضداد است و دارای دو معنای مقابل هم می‌باشد و از یک سو به معنای توبیخ و ضرب کمتر از حد و تأدیب نمودن شخص خلافکار به منظور عدم تکرار آن فعل استعمال می‌شود از سوی دیگر به معنای تعظیم و احترام و نصرت و یاری رساندن مکرر اطلاق می‌شود. ممکن است معنای ریشه‌ای و اصلی تعزیر همان منع باشد که به وسیله آن، شخص از ایداء و آزار رساندن به دیگری منع می‌شود که لازمه آن نصرت رساندن و مساعدت به دیگری است که مورد اذیت واقع شده و بدین وسیله موجبات تعظیم او فراهم خواهد گشت. یعنی در یک طرف موجب منع از تکرار یا ادامه فعل ناشایست است و در طرف دیگر موجبات مساعدت و نصرت و تعظیم طرف مقابل.

گفتار دوم- تعزیر در اصطلاح فقه

مرحوم محقق اول در کتاب شرایع الاسلام می‌فرماید: «كُلُّ مَالِهِ عَقُوبَةٌ مَقْدَرَةٌ يَسْمَى حَدًّا و ما لیس کذا لک یسمی تعزیراً» یعنی هر عقوبت و مجازاتی که در شرع اندازه معینی داشته باشد حد است و آن مجازاتی که این گونه نباشد از نوع تعزیر خواهد بود.

مرحوم شهید ثانی در مسالک الأفهام می‌فرماید: «... و التعزیر لغة التأدیب و شرعاً عقوبه او أهانة لا تقدیر لها باصل الشرع غالباً...» تعزیر در لغت به معنای ادب کردن است

و در اصطلاح شرع عبارت از عقوبت و اهانتی است که در غالب موارد در اصل شرع برای آن اندازه‌ای تعیین نشده است. ماوردی در احکام السلطانیه بیان می‌کند: «...التعزیر: تأدیب علی ذنوب لم تُشرع فیها الحدود و یختلف حکمه باختلاف حاله و حال فاعله...» تعزیر ادب کردن بر گناهانی است که در شرع حدی برای آنها مقدر نشده است و مقدار آن به اختلاف حال و انجام دهنده آن متفاوت است.

گفتار سوم- اهداف و فلسفه وضع مجازات تعزیری در شرع

شارع مقدس برای اجرای احکام الهی در مجرای خودش و به جهت حفظ نظام مادی و معنوی جامعه اهتمام خاصی قایل بوده و ناگفته پیداست که آن که جرمی مرتکب می‌شود و یا واجبی را ترک می‌کند در این نظام اختلال ایجاد نموده و به منظور جلوگیری و عدم ادامه اختلال باید تعزیر گردد تا بار دیگر به آن کار مبادرت ننموده و برای سایرین نیز که قصد ارتکاب آن را دارند عبرتی شود. به عبارت دیگر همان اهدافی که در تعیین و اجرای حد وجود دارد همان اهداف نیز در تعیین تعزیر و اجرای مجازاتهای تعزیرات خواهد بود. از خلال روایات باب تعزیر این گونه استفاده می‌شود که اجرای این عقوبت بر حاکم واجب است ولی نه به عنوان یک واجب تبدی (مانند نماز، روزه، حج و...) بلکه این مجازات به عنوان ابزاری در دست حاکم اسلامی و برای اصلاح جامعه و پاکسازی محیط از آلودگیها و عوامل فساد قرار گرفته است. لذا وجوب آن عقلی خواهد بود.

بنابراین شاید بتوان اهداف کلی مجازاتهای تعزیری را به طور کلی این گونه بیان نمود:

۱- حفظ جامعه از فساد و پاسداری از ارزشهای اخلاقی جامعه.

۲- دارا بودن حالت بازدارندگی عمومی.

۳- ایجاد بازدارندگی خصوصی.

۴- اصلاح بزهکار.

۵- توجه به مجنی علیه و تشفی خاطر او.

## اقسام مجازات تعزیری در فقه

### قسم اول: حبس

از آنجا که معنای تعزیر در لغت منع می‌باشد و چون زندان نیز مکانی است که زندانی از خروج از آن مکان تا زمانی که زندانی است ممنوع گشته و نیز از بیشتر تصرفات در اموال و املاک متعلق به خود و بستگان محروم گردیده است لذا حبس را نیز یکی از اقسام مجازات تعزیری تلقی نموده‌اند. در شرع نیز برای آن مصادیقی وجود دارد<sup>(۱)</sup>

### قسم دوم: شلاق تعزیری

اصل در تعیین مجازات تعزیری شلاق است و در انتخاب حبس به عنوان تعزیر در غیر مورد منصوص اختلاف می‌باشد. برخی فقیهان بزرگوار شیعه آن را جایز نمی‌دانند. در صورتی که شلاق به عنوان تعزیر تعیین گردد باید حداکثر آن کمتر از حداکثر شلاق حدی در همان نوع باشد و غالباً شلاقهای تعزیری از یک تا ۷۴ ضربه می‌باشد.<sup>(۲)</sup>

### قسم سوم: تعزیر مالی

در تعیین ابتدایی جریمه مالی توسط حاکم اسلامی به عنوان تعزیر شرعی میان فقهای عظام شیعه اختلاف مبنایی وجود دارد و بسیاری از فقیهان به آن اعتقاد ندارند. بعضی دیگر از فقیهان بزرگوار تعزیر مالی را به عنوان جایگزین شلاق در مواردی که مناسبتر به حال متهم و مجرم باشد پذیرفته‌اند. برخی روایات نیز به عنوان مستند شرعی تعزیر مالی در کتب معتبر فقهی وجود دارد. ولی قایلان به تعزیر مالی علاوه بر استناد به برخی روایات و نصوص اسلامی، به برخی ادله عامه نیز استدلال بر موضوع نموده‌اند برخی از این ادله عبارتند از: دلیل عقلی، اولویت قطعیه (فحوی و لحن الخطاب)،

۱- ر.ک: من لا یحضره الفقیه کتاب الدیات و نیز وسائل الشیعه ج ۱۵ صص ۵۴۵، ۱۵۶- ج ۱۸ صص ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۴۴، ۳۸۶، ۴۱۴ و ۵۷۸  
۲- برای برخی مصادیق مجازات تعزیری که از نوع تازیانه می‌باشد ر.ک و سابل الشیعه صص ۴۵۰ تا ۵۸۰.

اطلاعات ادله حکومت و ولایت فقیه. به برخی از مصادیق تعزیر مالی که در روایات وارد شده اشاره می‌نماییم:

۱- ماجرای نخل خرماي سمره بن جندب که توسط زراره از امام باقر(ع) نقل گردیده است.

۲- دستور به تخریب مسجد ضرار به عنوان تعزیر مالی توسط پیامبر اکرم (ص).

۳- تعزیر مالی به خاطر مشاغل حرام.

۴- سوزاندن متاع شخص خیانت پیشه.

۵- آتش زدن لانه جاسوسی دشمن.

۶- تعزیر مالی به جهت ریودن میوه نارس.

۷- آتش زدن غذاها و خرمناهای احتکار شده توسط حضرت علی(ع).

۸- مصادره اموال ابوموسی اشعری توسط عمر.

تعزیرات در قانون مجازات اسلامی در قانون مجازات اسلامی مصوب سالهای ۱۳۷۰ و ۱۳۷۵ که غالب مواد آن ترجمان تفصیلی مباحث مسایل فقهی مطروحه در تحریرالوسیله حضرت امام خمینی (ره) می‌باشد، نیز در تبیین مجازات تعزیری و تعریف آن، از همان تعریف فقهی تعزیرات استفاده نموده است. اگرچه در مواد بعدی و نیز در موادی از قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ هنگام بیان جرایم موجب تعزیر از محدوده تعریف فقهی خارج و شامل احکام السلطانیه یا تعزیرات بر اساس دستور حکومت گردیده است ولی اصل تقسیم‌بندی بر همان اساس است. از آنجا که احکام اسلامی برخی تأسیسی و برخی امضایی می‌باشند این قاعده در وضع و مقرر کردن قوانین مربوط به مجازات در جرایم تعزیری نیز توسط قانونگذار رعایت گردیده است. لذا برخی از مواد قانون مجازات عمومی سابق (۱۳۰۴) که قسمتی از جرایم مندرج در آن نیز پیشینه شرعی ندارد و در قوانین اولیه پس از پیروزی انقلاب (قانون راجع به مجازات اسلامی و لایحه قانونی تعزیرات)، به همین

جهت درج نشده بود، در مرحله بازنگری مجدد قانون مجازات اسلامی و هنگام تصویب آن در سالهای ۷۰-۷۵ وارد قانون مجازات اسلامی گردید. ضرورت وجودی آن، حفظ نظام اسلامی و بسط و برقراری امنیت عمومی و تأمین مصالح عمومی مردم بود هر چند با توجه به مسائل مستحدثه و پیچیدگی جرایم امروزی بازنگری مجدد و انجام برخی اصلاحات در این رابطه ضروری می‌نماید.

در بیان تعریف تعزیرات قانونگذار در ماده ۱۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ بیان می‌کند:

«تعزیر، تأدیب یا عقوبتی است که نوع و مقدار آن در شرع تعیین نشده و به نظر حاکم واگذار شده است. از قبیل حبس، جزای نقدی، شلاق که میزان شلاق باید از مقدار حد کمتر باشد».

همان گونه که ملاحظه می‌گردد رکن اصلی تعزیر در این تعریف که موجب امتیاز و جدایی آن از حدّ می‌گردد این است که نوع و مقدار مجازات در تعزیرات در قانون و شرع تعیین نشده و به نظر حاکم واگذار گردیده است. صرف نظر از این که حاکم چه کسی می‌تواند باشد؟ و آیا به هر قاضی که دارای ابلاغ قضایی است می‌توان عنوان حاکم اطلاق نمود و یا فقط مجتهد جامع الشرایط و مبسوط الید را شامل می‌شود، اصولاً حد و مرز و حداکثر و حداقل آن در دست قاضی قرار داده شده است. یعنی کسی که «من بیده الحکم است»، و نیز صرف نظر از این که اطلاق حبس و جزای نقدی که اخص از تعزیر مالی نیز می‌باشد به عنوان یکی از اقسام تعزیر در فقه و کلام فقهای عظام محل بحث و تردید می‌باشد ولی در قانون مجازات اسلامی این دو نوع مجازات به عنوان اقسام مجازات تعزیری علاوه بر شلاق قرار داده شده است. در حالی که در بند اول ماده ۲ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ که توسط همین مرجع قانونگذاری نیز تصویب گردیده، جرایم تعزیری را جرایمی دانسته که مجازات آن در شرع تعیین شده باشد.



اگر منظور قانونگذار از تعزیرات و از عبارت تعیین آن در شرع در این قانون تعیین نوع و میزان آن باشد، این تعریف تعزیر شرعی نخواهد بود و اگر مراد مقنن این باشد که تعزیر جرمی است که مجازات آن در شرع تعیین نشده باشد صرف نظر از عدم تجانس در تعریف و غیر حقوقی بودن آن و نیز صحیح نبودن اطلاق تعزیرات که نوعی مجازات است بر جرم، اصولاً برخی از جرایم مندرج در قانون مجازات اسلامی و مجازات تعیین شده برای آن در قانون، هرگز سابقه شرعی نداشته و در کتب فقهی و روایی مسبوق به سابقه نمی باشد، بلکه آنها جرایم جدیدی هستند که در اسلام سابقه ای نداشته اند. (مانند چک بلامحل، کالای قاچاق یا مواد مخدر و...).

پس چگونه می توان گفت مجازات آن در شرع تعیین شده است. از طرف دیگر این که آیا تعزیرات مورد بحث در قانون، صرفاً شامل جرایم ارتكابی علیه حقوق الناس می گردد و یا اعم از آن است؟ نیز بحث دیگری است که در گفتارهای بعدی به آن اشاره خواهد شد.

قانونگذار برای برخی جرایم مستوجب مجازات تعزیری مجازات حبس و برای برخی دیگر شلاق و برخی دیگر جزای نقدی و بعضی دیگر توأمان با هم تعیین نموده است که مصادیق آن در قانون قابل احصاء می باشد.

### تعریف مجازات بازدارنده

قانونگذار در ماده ۱۷ قانون مجازات اسلامی در تعریف مجازات بازدارنده بیان نموده است: «مجازات بازدارنده تأدیب یا عقوبتی است که از طرف حکومت به منظور حفظ نظام و مراعات مصلحت اجتماع در قبال تخلف از مقررات و نظامات حکومتی تعیین می گردد از قبیل حبس، جزای نقدی، تعطیل محل کسب، لغو پروانه و محرومیت از حقوق اجتماعی و اقامت در نقطه یا نقاط معین و منع از اقامت در نقطه یا نقاط معین و مانند آن».

همان طور که از تعریف پیداست در صورتی که برای ارتكاب جرم و یا تخلف از

مقرراتی در شرع انور مجازاتی مقرر نشده باشد ولی برای حفظ مصلحت جامعه تعیین مجازات ضروری باشد مجازات تعیین شده مشمول تعریف مندرج در ماده ۱۷ صدرالذکر خواهد گردید.

نهایه با توجه به این که حاکم اسلامی و ولی فقیه در رأس نظام اسلامی قرار دارد و قوانین موضوعه مجلس شورای اسلامی نیز باید با تأیید فقهای محترم شورای نگهبان که منصوب ولی فقیه هستند برسد نتیجه این خواهد بود که مجازات مندرج در تعریف ماده ۱۷ فوق‌الذکر با تصویب حاکم اسلامی به موقع اجرا گذارده خواهد شد هر چند که مستقیماً تحت نظر ایشان تصویب نگردیده باشد. و از آنجا که تعزیرات شرعی نیز که مشمول تعریف ماده ۱۶ همان قانون می‌باشند نیز در اختیار حاکم اسلامی است لذا این دو تعریف در برخی مصادیق خارجی با هم تداخل خواهند نمود و مجازات بازدارنده نیز از قبیل تعزیرات خواهد گردید زیرا به هر حال تحت تعریف کلی «التعزیر بید الحاکم» قرار خواهد داشت.

بر همین اساس برخی از دانشمندان و فضلا، تعزیرات را به دو دسته تقسیم نموده‌اند:

#### ۱- تعزیرات شرعی ۲- تعزیرات حکومتی

توضیح این که تعزیرات شرعی بنا به تعریف آنان بر مجازاتهایی اطلاق خواهد گردید که برای خاطیان و متخلفان از قوانین اسلامی و واجبات و محرمات شرعی به اجرا در می‌آید. به عبارت دیگر تعزیرات شرعی همان کیفرهایی است که حاکم شرع در برابر تخلف از احکام و مقرراتی که مستقیماً از ناحیه شارع مقدس جعل گردیده بر مجرمان تحمیل می‌گردد ولی تعزیرات حکومتی مجازاتهایی است که حکومت و نظام اسلامی آنها را در برابر سرپیچی از مقررات موضوعه و از ناحیه خود و به منظور سامان دادن و نظم و انتظام بخشیدن به امور جاری جامعه و مردم (مانند قوانین مواد مخدر، گمرکات، مقررات تعزیرات حکومتی، تخلفات رانندگی و...) به اجرا در می‌آورد. به همین جهت گفته شده مجازاتهای وضع شده در قانون مجازات اسلامی و سایر آن (غیر از حدود،

قصاص و دیات) در صورتی که از جهت حق الناس بودن موضوع مجرمانه باشد مجازات مقرر برای آن تعزیر شرعی است و اگر جنبه حق الحکومه در وضع آن مقررات مدنظر بوده باشد مجازات مزبور تعزیر حکومتی خواهد بود. این نوع تعبیر از مجازاتها (تعبیر به تعزیر حکومتی) در فرمایشات حضرت امام خمینی (ره) به مجازاتهای بازدارنده بیان گردیده است. البته مشکل اصلی در مورد ابزار مجازات در تعزیرات شرعی است. به عبارت دیگر در فرمایشات معصومین (ع) و روایات وارده مربوط به تعزیرات شرعی از کلمه ضرب با تازیانه استفاده شده که اشاره بر این است که ابزار تعزیر در تعزیر شرعی که بیدالحاکم است همان شلاق و تازیانه می باشد و سایر وجوه تعزیر از قبیل حبس، جزای نقدی، تعزیر مالی، تبعید و... تعزیر شرعی نخواهد بود. لکن در تعزیرات حکومتی که بنا بر اصل ولایت فقیه و لزوم حفظ نظم و توقف اعمال ولایت و حکومت و ایجاد انتظام در امور جامعه توجیه گردیده، از نظر تعمیم در ابزار تعزیر بهره جسته و گفته می شود که تعیین هر نوع کیفر و به وسیله هر نوع ابزاری که حالت بازدارندگی از این نوع تخلفات و سرپیچیها داشته باشد صحیح خواهد بود و حاکم اسلامی خواهد توانست از این جهت تنبیه های متناسب با جرم و مجرم و جامعه وضع و اجرا نماید بنا به مراتب فوق به نظر می رسد حضرت امام خمینی (ره) نیز در مورد تعزیرات شرعی احتیاط را در اکتفا به مجازاتهای منصوص شرعی می دانستند و غالب مراجع عظام تقلید فعلی و فقیهان معاصر حضرت امام (ره) نیز همین نظریه را می پسندیدند.

### تداخل مجازات بازدارنده و مجازات تعزیرات

با توجه به سیر مراحل فوق روشن شدن این نکته که مجازات بازدارنده از داخل مجازات تعزیرات زاییده شد با این حال در برخی مواد قانون مجازات اسلامی ابهاماتی وجود دارد و در میان آنها اختلاف در سبک ملاحظه می گردد. به عنوان مثال در ماده ۷۲۶ قانون مجازات اسلامی در بیان تعیین مجازات برای معاون جرم، فقط سخن از

معاون جرم در جرایم تعزیری است و نامی از معاون جرم در مجازات بازدارنده به میان نیامده است.

آیا این بدان معناست که عنوان معاونت در جرم در جرایم مستوجب مجازات بازدارنده محقق نمی‌گردد؟ آیا همان طور که هنگام بحث از تخفیف در مجازات به طور صریح از دو نوع مجازات تعزیری و بازدارنده در ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی، یاد نموده در ماده ۷۲۶ همان قانون نیز باید این تصریح را رعایت می‌نمود؟ به هر حال چگونه باید عمل نمود؟

علت تداخل و ابهام در برخی از مواد و اختلاف در سبک این است که قانون تعزیرات پس از تصویب قانون مجازات اسلامی (از کتاب اول تا پایان کتاب چهارم) تصویب شده است. توضیح بیشتر این که پس از اتمام مدت اعتبار لایحه تعزیرات مصوب کمیسیون قضایی مجلس مقرر شد هیأتی مجدداً آن لایحه و مواد آن را بازنگری نموده و پس از رفع اشکالات اجرایی و انجام اصلاحات لازم جهت تصویب نهایی تقدیم مجلس شورای اسلامی جهت تصویب نهایی نمایند.

در آن هنگام ظاهراً توسط اداره حقوقی قوه قضائیه متنی و پیش‌نویسی در این رابطه تهیه گردید ولی انجام کارشناسی و اصلاحات به جهت برخی مشکلات و موانع سالها به طول انجامید و نهایتاً پس از حدود ۷ یا ۸ سال به مجلس ارائه و در صحن علنی مجلس مطرح و به صورت قانون مجازات اسلامی کتاب پنجم تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده تصویب شد. در این زمان پانصد ماده اول قانون مجازات اسلامی که جایگزین قانون راجع به مجازات اسلامی بود تصویب شده بود در حالی که قانون تعزیرات (کتاب پنجم) قاعدهً باید قبل از پانصد ماده اول تصویب می‌گردید زیرا اعتبار لایحه قانونی تعزیرات پیش از قانون راجع به مجازات اسلامی به پایان رسیده بود. لذا قانون جدیدالتصویب تعزیرات (ماده ۴۹۸ به بعد) را به آن ملحق و به عنوان کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی قرار دادند. در موقع تهیه و بررسی قانون تعزیرات در اداره حقوقی قوه قضائیه (که بعدها

به عنوان کتاب پنجم نامیده شد که ماده ۷۲۶ نیز در همین کتاب است) قانون راجع به مجازات اسلامی که در آن نامی از مجازات بازدارنده ذکر نشده بود دارای اعتبار بود و لذا در ماده ۷۲۶ ماراالذکر نیز نامی از مجازات بازدارنده ذکر نشد بلکه همانند قانون راجع به مجازات اسلامی، تعزیرات را به عنوان عام، مجازات غیر از حدود، قصاص و دیات تلقی نموده است.

لذا می‌بینیم با این که ماده ۷۲۶ که باید از حیث ترتیب پس از مواد اولیه و مواد ۱۲ و ۱۶ و ۱۷ بررسی و بازنگری شده باشد ولی عملاً این گونه نبوده بلکه قبل از تصویب مواد ۱۲، ۱۶، ۱۷ و در زمان حاکمیت قانون راجع به مجازات اسلامی مورد بحث و بررسی و اصلاح قرار گرفته است، اگرچه پس از آن در صحن علنی مجلس تصویب گردیده است. لذا این عدم هماهنگی و عدم تجانس میان ماده ۷۲۶ و مواد ۱۲، ۱۶، ۱۷ ایجاد شده است و در ماده ۷۲۶ نامی از مجازات بازدارنده به میان نیامده است ولی با توجه به شرحی که به زودی خواهد آمد این بدان معنی نخواهد بود که ماده ۷۲۶ فقط ناظر به معاونت در جرایم تعزیری باشد و شامل معاونت در جرایم بازدارنده نگردد.

علاوه بر مراتب فوق توضیح دیگر این که در آن لایحه که برای بررسی و بازنگری و اصلاح و سپس جایگزین شدن به عنوان قانون تعزیرات در دست بررسی بوده، هرگز از مجازات شلاق به عنوان مجازات تعزیری ذکر نشده بود، استدلال بررسی کنندگان لایحه تعزیرات هم این بود که اگر مجازات تعزیری می‌تواند مجازاتی غیر از شلاق هم باشد چرا مجازات شلاق را در قانون ذکر نماییم؟ بلکه به جهت برخی ملاحظات باید مجازات شلاق را حذف نماییم. زیرا ممکن است برخی از افراد مرتکب جرایمی شوند و سپس به کشورهای ثالث یا همسایه مانند ترکیه که با آنها قرارداد استرداد مجرمین منعقد نموده‌ایم متواری گردند، بر اساس قانون استرداد مجرمین، مجازات مجرمین متواری اگر شلاق باشد غیر قابل استرداد بوده و دستگاه سیاسی نظام اسلامی ایران نمی‌تواند تقاضای استرداد این گونه مجرمین را از کشور ثالث بر اساس قانون استرداد

مجرمین بنماید. در نتیجه آنان فرصت فرار از اِعمال و حاکمیت قانون را پیدا خواهند نمود. در حالی که اگر به جای مجازات شلاق مجازات دیگری از قبیل حبس یا جزای نقدی تعیین نماییم با این امر فرصت سوء استفاده را از مجرمین متواری خواهیم گرفت و می‌توانیم آنان را جهت تحمیل محکومیت مسترد نماییم.

با این استدلال مجازات شلاق در اغلب مواد لایحه تعزیرات موضوع بررسی اداره حقوقی قوه قضائیه حذف گردید و فقط در برخی از مواد که از جهت شرعی، گزیری از آن نبود مجازات شلاق ابقاء شد مانند تعیین مجازات شلاق برای جرم مضاجعت زن و مرد اجنبی (ماده ۶۳۷ ق.م.ا) که منصوص صریح شرعی بود. گرچه نهایتاً هنگام بررسی در کمیسیون قضایی مجلس این نکات رعایت نشد. در صحن علنی مجلس نیز به این استدلال توجهی نگردید. البته استدلال مجلسیان نیز این بود که چرا در هر مورد و بابت هر اتهامی، اگرچه جزئی، افراد را روانه زندان نماییم که تبعات منفی و اثرات سوء فراوانی را به دنبال خود فراهم نماید، موجب بالا رفتن هزینه‌های دولت مربوط به نگهداری آنان در زندان گردیده و برای خانواده‌های زندانیان موجب تشویش و نگرانی نسبت به زندانی شده و برای خود خانواده‌ها نیز از جهت تأمین معاش و هزینه‌های زندگی عسر و حرج و سختی فراهم شده و برای زندانیان نیز تبعات منفی حضور در زندان را داشته و تربیت فرزندان زندانی و... دچار مشکل خواهد شد. در حالی که اگر شلاق موضوع حکم و مجازات قرار گیرد، با اجرای آن و رهایی فوری محکوم علیه موضوع خاتمه پیدا خواهد نمود.

ضابطه تفکیک و شناخت مجازات تعزیری از بازدارنده: با توجه به بیان گذشته، ابهامات موجود در عبارت مواد ۲۲، ۲۶، ۷۲۶ قانون مجازات اسلامی و مواد ۲ (بند اول تبصره یک آن) و ۱۷۳ قانون آیین دادرسی کیفری و چگونگی تداخل تعزیرات و مجازات بازدارنده روشن گردید و آشکار شد که منظور از تعزیرات همه انواع مجازاتها غیر از حدود و قصاص و دیات بوده و شامل تعزیرات شرعی و مجازات بازدارنده

می‌گردد. بنابراین در هر یک از مواد قانونی اگر کلمه تعزیرات یا مجازات بازدارنده به طور مستقل و به تنهایی ذکر شود، و در این صورت هر دو مجازات تعزیری و بازدارنده مترادف هم بوده و منظور از تعزیرات اعم از تعزیرات شرعی و بازدارنده خواهد بود هم چنان که منظور از بازدارنده نیز اعم از مجازات بازدارنده (تعزیرات حکومتی) و تعزیرات شرعی خواهد بود. مانند مواد ۷۲۶ قانون مجازات اسلامی و ۱۷۳ قانون آیین دادرسی کیفری. ولی اگر در مواد قانونی، کلمه تعزیرات و مجازات بازدارنده با هم و در کنار یکدیگر بیان شده باشند در این صورت هر کدام معنای مستقل خود را خواهند داد و باید بر اساس مواد ۱۶ و ۱۷ قانون مجازات اسلامی تعریف و مورد توجه قرار گیرند. به عبارت دیگر برای تقریب به ذهن می‌گوییم دو کلمه تعزیرات و مجازات بازدارنده مانند دو کلمه فقیر و مسکین در لغت عرب می‌باشند که در بیان احکام و آثار آن فقهای عظام فرموده‌اند (الفقیر و المسکین کالظرف و الجاروالمجرور، اذا اجتماعا افتراقا و اذا افتراقا اجتماعا) دو کلمه فقیر و مسکین مانند ظرف و جار و مجرور هستند هرگاه با هم و در کنار هم ذکر شوند هر کدام معنای مستقل خود را داشته و آثار و احکام خود را دارد و هر زمان جدای از هم و منفرداً ذکر شوند مرادف هم خواهند بود و به یک معنی واحد به کار خواهند رفت. مثلاً وقتی گفته می‌شود زکات را باید به مساکین و فقرا پرداخت نمود منظور از این دو کلمه معنی خاص هر یک بوده و هر دو دسته به طور جداگانه مورد نظر خواهد بود و هرگاه گفته می‌شود صدقه را باید به فقرا پرداخت نمود منظور اعم از دو دسته خواهد بود و معنی خاص فقیر مورد نظر نیست. مجازات تعزیری و بازدارنده نیز دقیقاً همین گونه هستند لذا در ماده ۲ قانون مجازات اسلامی که تعزیرات و مجازات بازدارنده در کنار هم ذکر شده منظور مقنن تعریف هر دو مورد مجازات بر اساس مواد ۱۶ و ۱۷ بوده و هر دو را به طور جداگانه مورد نظر داشته ولی در مواردی مانند ماده ۷۲۶ قانون مجازات اسلامی و ماده ۱۷۳ قانون آیین نامه دادرسی کیفری که تعزیرات یا بازدارنده به تنهایی ذکر گردیده معنای عام تعزیرات مورد نظر بوده است بنابراین ابهام

برطرف شده و هر دو مجازات تعزیری و بازدارنده از هم قابل تفکیک خواهند بود.

بیان برخی مصادیق مجازات بازدارنده در قوانین مصوب: با توجه به تعریف ارائه شده از تعزیرات شرعی در لسان فقهای بزرگوار و در بیان قانونگذار (ماده ۱۶ قانون مجازات اسلامی) و نیز تعریف ارائه شده از مجازات بازدارنده در قانون و نیز تعزیرات حکومتی یا احکام السلطانیه در لسان فقیهان شیعه براحتمی می‌توان مصادیق مجازات بازدارنده را در قانون مجازات اسلامی تعیین نمود هر چند قانونگذار بدون توجه به ظرافتهایی که در این مقال به آن اشاره شده و بدون استنباط صحیحی از مفاهیم کلی این دو نوع مجازات، از کلمات مجازات تعزیری و مجازات بازدارنده در مواد قانونی استفاده نموده است و لذا هیچ اقدامی در تفکیک این دو نوع مجازات از یکدیگر ننموده و هیچ بیانی مبنی بر این که مجازات مقرر برای جرم مشخص آیا به عنوان تعزیر شرعی است یا مجازات بازدارنده ننموده و آن را بر عهده قاضی صادرکننده حکم نهاده است.

پیش از ذکر برخی مصادیق مجازات بازدارنده یک ابهام را از تعریف تعزیرات که در قانون بیان شده و موجب تداخل برخی مجازات تعزیری در مجازات بازدارنده می‌گردد باید زدود. نکته مهم این است که در ماده ۱۶ قانون مجازات اسلامی در تعریف تعزیرات بیان داشته: «تعزیر، تأدیب یا عقوبتی است که نوع و مقدار آن در شرع تعیین نشده و به نظر حاکم واگذار شده است...» ظاهر تعریف این خواهد بود که در مطلق مجازات تعزیری نوع و میزان آن در شرع معین نشده است. بنابراین سایر جرایم غیر از حدود و قصاص و دیات و تعزیرات به همین معنی که گذشت از مصادیق مجازات بازدارنده خواهد بود در حالی که برخی جرایم هم در شرع و هم در قانون مجازات اسلامی ذکر گردیده که مصداق تعریف تعزیرات نیست چون نوع و میزان آن تعیین شده است ولی در عین حال نمی‌توان گفت آنها جزء مجازات بازدارنده هستند. به عنوان مثال در روایات ذکر شده اگر کسی در ماه مبارک رمضان بدون عذر شرعی روزه‌خواری نماید تا ۲۰ ضربه شلاق تعزیر می‌شود و یا در ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) بیان



شده هرگاه زن و مردی که بین آنان علقه زوجیت نیست مرتکب مضاجعت (عملی غیر از زنا) شوند تا ۹۹ ضربه شلاق به عنوان تعزیر بر آنان نواخته خواهد شد.

ملاحظه می‌شود که در هر دو مورد هم نوع تعزیر که شلاق است و هم میزان آن از یک تا ۲۰ یا از یک تا ۹۹ ضربه شلاق تعیین و روشن شده است در حالی که در تعریف تعزیرات بیان شد که مجازاتی که نوع و میزان آن در شرع معین نشده است و به نظر حاکم واگذار شده است.

پاسخ و رفع ابهام این است که تعریف وارد در شرع (التعزیر بما یراه الحاکم) و بیان شده در قانون مجازات اسلامی (ماده ۱۶) برای اعم و اغلب مصادیق است و مجازات بازدارنده در برابر همین معنای از تعزیر نیز قرار خواهد داشت. بنابراین جرایمی که مستوجب مجازات تعزیری هستند جرایمی هستند که در شرع مسبوق به سابقه بوده و مصادیق آن در شرع وجود داشته و منصوص است ولی تعیین مجازات برای آن جرایم به طور دقیق از جهت نوع و میزان از طرف شارع مقدس مقرر نگردیده است بلکه بر عهده حاکم اسلامی واگذار شده است بر خلاف جرایم مستوجب مجازات بازدارنده که منصوص شرعی نبوده و در روایات نیز مصادیق آن مسبوق به سابقه نبوده و جرم‌انگاری آن از سوی حاکم اسلامی فرض شده است. به عبارت دیگر نوع مجازات بازدارنده بر خلاف تعزیرات شرعی، عنوان و وصف مجرمانه‌اش در شرع مقدس و در روایات معصومین علیهم‌السلام وارد نشده است بلکه حاکم اسلامی به عنوان ولی فقیه به منظور حفظ نظم و امنیت جامعه اسلامی و رعایت مصالح مسلمین این نوع مجازاتها را در برابر تخلف از مقررات موضوعه وضع می‌نماید. بنابراین جرایمی که در شرع سابقه‌ای نداشته و برای آن مجازاتی تعیین نگردیده از مصادیق بارز مجازات بازدارنده خواهند بود.

۱- کلاهبرداری که به وسیله قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری برای آن جعل مجازات گردیده و مسبوق به شرع نمی‌باشد لذا تعیین

مجازات برای آن به عنوان مجازات بازدارنده خواهد بود.

۲- جرم چک بلامحل و وعده‌دار و ملحقات به آن که در شرع هرگز سابقه‌ای از آن وجود ندارد بلکه در گذشته اصولاً بانکی وجود نداشته که جرم چک بلامحل معنی داشته باشد لذا مجازات تعیین شده برای آن نیز از قبیل مجازات بازدارنده خواهد بود.

۳- جرایم ناشی از تخلفات رانندگی با همه اقسام آن با توجه به مطرح نبودن آن در زمان امامان معصوم علیهم‌السلام و عدم وضع مجازاتی برای آن در شرع، مجازات تعیین شده برای آن در قانون مجازات اسلامی از قبیل مجازات بازدارنده خواهد بود.

۴- مجازات وضع شده برای جرم کاپن فروشی

۵- مجازات تعیین شده برای فروش لباسهای مبتذل و....

۶- مجازات تعیین شده برای نگاهداری و استفاده از تجهیزات دریافت از ماهواره

۷- مجازات مقرر برای توزیع و تجارت نوارهای ویدئویی، رایانه‌ای و دیسکتهای

مبتذل و...

۸- مجازات مقرر برای ورود غیر مجاز اتباع بیگانه

۹- مجازات وضع شده برای اشتغال اتباع خارجی بدون پروانه اشتغال

۱۰- مجازات مربوط به جرایم مواد مخدر و ملحقات آن

۱۱- مجازات مربوط به قاچاق کالا و ارز

۱۲- مجازات مربوط به جعل و استفاده از سند مجعول

۱۳- مجازات مربوط به ترک نفقه

۱۴- مجازات مربوط به عدم ثبت واقعه ازدواج یا طلاق

۱۵- مجازات مقرر در برخی مواد قانون تعزیرات حکومتی

۱۶- مجازات مقرر برای بزه انتقال مال غیر

۱۷- مجازات مربوط به تبانی برای بردن مال غیر

۱۸- مجازات مربوط به تغییر کار بری اراضی زراعی

۱۹- مجازات مربوط به تصرف عدوانی منابع طبیعی

و...

نتیجه بحث: خلاصه و چکیده مباحث گذشته این خواهد بود:

- ۱- تعزیرات آن مجازاتی است که نوع و میزان آن در شرع معین شده باشد.
- ۲- آن دسته از جرایمی که مجازات آن از قبیل مجازات تعزیری است در صورتی که دیرینه شرعی داشته و برخی مصادیق آن در زمان امامان معصوم علیهم السلام محقق شده و برای آن تعزیر وضع گردیده است مجازات معین شده برای آن جرایم، به عنوان تعزیرات شرعی خواهد بود و در غیر این صورت چون تعیین تعزیر و مجازات برای آنها به جهت حفظ نظم و حکومت اسلامی و مصالح جامعه اسلامی است به عنوان تعزیرات حکومتی یا احکام السلطانیه خواهد بود.
- ۳- مجازات بازدارنده مقرر در ماده ۱۷ قانون مجازات اسلامی و مذکور در ماده ۱۷۳ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری از جهت ماهیت در حقیقت همان تعزیرات حکومتی و احکام السلطانیه می باشد.
- ۴- در قانون مجازات اسلامی در موادی که کلمه تعزیرات به تنهایی به کار رفته مانند ماده ۷۲۶ قانون مجازات اسلامی، و یا مجازات بازدارنده به صورت انفرادی ذکر شده مانند ماده ۱۷۳ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸، منظور تعزیرات اعم از تعزیرات شرعی و بازدارنده می باشد.
- ۵- در قانون مجازات اسلامی در موادی که کلمات تعزیرات و بازدارنده با هم و در کنار هم به کار رفته معانی هر کدام به صورت خاص و مستقل بر اساس مواد ۱۶ و ۱۷ قانون مزبور منظور گردیده است.
- ۶- با توجه به اطلاق مجازات بازدارنده بر مجازات تعزیرات در ماده ۱۷۳ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مجازات تعزیری نیز مانند مجازات بازدارنده مشمول مرور زمان خواهد بود.

۷- با توجه به شمول کلمه تعزیرات بر مجازات بازدارنده در ماده ۷۲۶ قانون مجازات اسلامی، معاونت در جرایم مستوجب مجازات بازدارنده نیز مشمول ماده ۷۲۶ مذکور گردیده و باید برای آنها مجازات تعیین نمود.



### قوانین در ارتباط با بیماریهای روانی

✍️ غلامرضا سلماسی\*

قانون ملت نمی‌سازد و این ملت است که باید قانون بسازد، ساختن و پرداختن به قانون خود یک امر فنی است و به اندازه کار معمار یا طیب جراح ظریف و حساس است اگر اصول فنی و علمی در معماری و جراحی به کار نرود عمارت دیر یا زود سرنگون می‌گردد و بیمار از بین می‌رود امر تهیه قانون هم اگر مانند تمام امور فنی و تخصصی بر سیستم علمی و تجربی مستقر نشود اساس یک جامعه را متزلزل می‌سازد. هدف قانون باید رفع مشکل باشد نه ایجاد مشکل جدید، رفع اختلاف باشد نه ایجاد اختلاف تازه، رفع معایب اجرایی باشد نه ایجاد اشکالات اجرایی دیگر، تشخیص همین مسائل آسان نیست و قدرت می‌خواهد، قدرت علم و اطلاع، صلاحیت و تجربه، ذوق و استعداد مخصوص، فکر روشن و بالاخره قدرت تجزیه و تحلیل منطقی قضایا خصوصاً تمیز موارد تعارض و عیب قوانین، موتسکیو دانشمند بزرگ فرانسوی که بیش از دانشمندان دیگر جهان در سر ایجاد قوانین و اهمیت و تأثیر آن در تاریخ تمدن بشری مطالعه کرده است در زمانی متجاوز از دویست و پنجاه سال قبل برای تدوین و تنظیم قوانین شرایط و اصولی قایل شده و گفته است:

\* - قاضی دادگستری تبریز، این مقاله نیز با اندکی تلخیص به نظر می‌رسد.